



بررسی انواع داوری و علل رجحان آن برای حل اختلافات تجاری بین المللی

علیرضا نوازی

کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل

چکیده

از دیرباز بروز اختلافات میان افراد امری رایج و طبیعی بوده و معمولاً در روابط میان افراد تصور حدوث اختلاف دور از ذهن به نظر نمی رسیده است با رشد روزافزون جمعیت بشر و رشد طبیعی معاملات تجاری میان آنها و پیچیده تر شدن برخی رشته های این معاملات، اختلافات ناشی از آنها نیز پیچیده تر و بعضاً حتی تخصصی تر گردیده است. چرا که داوری یک امر حقوقی است و حتی داوران در قبال امر داوری دارای مسئولیت خواهند بود. با ارجاع امر به داوری تشریفات دادرسی کاهش یافته و بعلاوه در طول رسیدگی، اسرار مالی و حرفه ای تجار نیز افشا نشده و از همه مهم تر اینکه حل اختلاف توسط افرادی متخصص در آن زمینه انجام می شود که این امر باعث کاهش پرونده های قضایی می شود و افراد در برخی موارد با اختیار خود موضوع اختلاف یا موضوعی که بعداً مورد اختلاف خواهد بود را به داورانی که خود انتخاب کرده اند جهت حل و فصل دعاوی ارجاع می دهند و در برخی موارد، دادگاه اختلاف موجود بین طرفین را به داوری ارجاع می دهد. برای حل و فصل اختلافات تجاری نیز راههای فراوانی وجود دارد آسانترین و سریع ترین راه را می توان گفتگوی مستقیم بین طرفین یا وکلای آنان دانست. اقدام به مذاکره برای حل اختلاف نیازمند آن است که طرفین اختلاف، واقعاً قصد رفع اختلاف را داشته باشند. حل اختلاف از طریق مذاکره در هر زمان مقدور است این امکان حتی در زمانی که دیگر شیوه های حل اختلاف در جریان است نیز در دسترس خواهد بود. اگر بعد از انجام مذاکرات بین طرفین توافقی حاصل نشد، ورود شخص ثالث بی طرف در مذاکرات برای میانجیگری مفید خواهد بود که در این پژوهش سعی در بررسی علل رجحان این امر بر سایر روشهای حل و فصل اختلاف خواهیم داشت.

واژگان کلیدی: داوری - حل و فصل - اختلاف تجاری - حدوث اختلاف - دادگاه



مقدمه

امروزه داوری یکی از شیوه های حل اختلاف و فصل خصومت تخصصی و سریع می باشد که به طرفین اختلاف امکان می دهد بدون مراجعه به دادگاه بتوانند فرد یا افرادی را که مورد تایید شان هستند را برای حل و فصل اختلاف انتخاب کنند. در قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از داوری ارائه نشده است اما در بند الف از ماده یک قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ در تعریف داوری آمده است: «داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا آنته صابی» برخی از حقوقدانان نیز به تعریف داوری پرداخته اند و گفته اند داوری یا حکمیت عبارت از آنست که طرفین دعوی به اراده خود و یا دادگاه در موارد خاص، موضوع مورد اختلاف را به داور یا حکم ارجاع و داوری یا حکمیت او را با شرایط خاص قانونی مناط حل اختلاف و قاطع دعوی قرار دهند». در واقع با توجه به تعاریفی که از داوری در تعاریف حقوقدانان مختلف آمده است می توان چنین ادعان نمود که داوری و مفهوم آن در نظم حقوقی کنونی منطبق بر مفهوم قضای تحکیم در فقه می باشد. بعد از آنکه مذاکرات شکست خورد اولین گزینه برای پیگیری اختلاف و طرح دعوا، همانا ارجاع پرونده به یک دادگاه قضایی است. البته ممکن است چنین عنوان شود که بطور طبیعی هرگاه طرفین اختلاف تصمیم داشته باشند که اختلاف خود را شیوه ای حل نمایند که برای هر دو قطعی و الزام آور باشد ناگزیر از این هستند که به جای داوری به محاکم قضایی مراجعه نمایند. مزایا و معایب داوری در مقایسه با دادرسی قضایی موضوع مباحث فراوانی در محافل حقوقی بوده است. از دید کسانی که مایل به مطرح شدن مسائل شخصی و یا تجاری خود در ملاء عام و پیشگاه دادگاه نیستند، خصوصی بودن روند داوری یک مزیت بزرگ است. همچنین دوری این امکان را ایجاد می کند که طرفین دعوا بطور علی الراس داوران را مشخص نمایند در حالی که در سیستم دادرسی قضایی امکان انتخاب قضات وجود ندارد. در داوری ممکن است یک یا چند داور با توجه به مهارتهای ایشان در بخش های حقوقی، مالی و یا مهندسی انتخاب شوند. دادگاه داوری مطلوب باید بتواند در اسرع وقت اسناد و ادله مربوط به دعوا را جمع آوری کرده و دورنمایی از حکم احتمالی خود را به آگاهی طرفین برساند تا هم در وقت و هم در هزینه های ارجاع کنندگان به داوری صرفه جویی بعمل آید. علاوه بر این دادگاه داوری در رسیدگی خود به دعاوی مطروحه تداوم و استمرار دارد زیرا تنها به یک پرونده رسیدگی می کند و مانند دادگاههای قضایی با انبوهی از پرونده های درانتظار رسیدگی روبرو نیست. همچنین یک دادگاه داوری رسیدگی ابتدا تا انتهای یک پرونده را برعهده دارد در حالی که در دادگاههای قضایی گاهاً مراحل بدوی پرونده ها توسط یک



دادگاه و مراحل رسیدگی و صدور نهایی در دادگاههای دیگری انجام می شود. تداوم و استمرار دادرسی در دادگاه داور حای این مزیت است که در خلال آن داوران با طرفین دعوا آشنایی کاملی پیدا می کند و از مراحل پیشرفت پرونده آگاهی کاملی پیدا می کنند. این مساله بویژه هنگامی که در خلال روند داورى طرفین اختلاف مایل به جایگزین کردن مذاکره برای حل اختلاف باشند مفید فایده خواهد بود زیرا داوران می توانند در تشریک مساعی بین طرفین برای حصول نتیجه بسیار تاثیرگذار باشند. باید متذکر شد که داورى در قیاس دادرسی قضایی انعطاف پذیرتر و قابل تغییرتر است و نتیجه نهایی آن سریع تر بدست خواهد آمد. اگر دعوا در پیشگاه یک دادگاه قضایی مطرح شود آیین دادرسی و نحوه پیگیری پرونده باید با مقررات دادگاه مذکور هماهنگ باشد و این مطلب موجب اطلاع دادرسی خواهد شد. در داورى این امکان وجود دارد که به مقتضای شرایط هر پرونده مقررات دادرسی را تغییر داد و با شرایط موجود متناسب کرد. بعنوان نمونه طرفین اختلاف می توانند حدود افشای اسرار پرونده را محدود سازند اما در دادرسی قضایی این امکان وجود ندارد در حالی که داورى بنحو احسن امکان این تغییرات را مهیا می سازد.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، به صورت کتابخانه ای بوده و در بخش اول به بررسی مفاهیم و سپس به بررسی علل رجحان داورى بر سایر روش های حل و فصل اختلافات دعاوی تجاری بین المللی پرداخته شده است.

۱- مفاهیم:

۱-۱ مفهوم داورى:

۱-۱-۱ مفهوم لغوی داورى:

داور بر وزن خاور نام خدای عزوجل است و پادشاه و عادل را نیز گویند، یعنی کسی که به نیک و بدی حکم باشد و فصل خصومت کند. داور را به عربی حاکم گویند و در اصل داور بر وزن دادگر بوده و به مرور ایام تخفیف داده اند و داور شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷)



همچنین داور به معنی از صاف دهنده، قاضی، حکم مشترک و کسی که میان مردم حکم و فصل دعوی کند نیز آمده است. (پادشاه، ۱۳۳۶)

در فرهنگ فارسی، حکمیت معادل داوری معنا شده و عبارتست از میانجیگری و داوری بین دو یا چند تن، رسیدگی و ختم قضیه در خارج از محکمه تحت شرایط معینی. (معین، ۱۳۵۳)

در فرهنگ فارسی عمید نیز داور یا دادور به معنی حاکم، حکم قاضی، کسی که میان نیک و بد حکم کند و کسی که برای قطع و فصل مرافعه دو یا چند تن انتخاب شود آمده است. (عمید، ۱۳۸۳)

می توان گفت داوری عبارتست از حل و فصل اختلافات و دعاوی بین اشخاص توسط فرد یا افراد مورد اعتماد که منتخب طرفین دعوا می باشد. عبارت دیگر داوری، قضاوتی قراردادی است که بر اساس اصول حقوقی و قوانین موجود حق و تکلیف، با تراضی طرفین به جای دادگاه به شخص یا اشخاص مورد قبول خود مراجعه و رای و نظر ایشان را پذیرا و قاطع دعوا محسوب کنند. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲-۱-۱ مفهوم حقوقی داوری:

داوری یا حکمیت یعنی فصل خصومت و سیله اشخاص، بدین معنی که اصحاب دعوی به میل و اراده خود موافقت کنند که بجای آنکه دعاوی آنان در مراجع صلاحیتدار دادگستری رسیدگی شود، حل اختلاف توسط افراد مورد اعتماد آنها صورت گیرد. (فاطمی شریعت پناهی، ۱۳۵۶)

مرحوم دکتر احمد متین دفتری، داوری را صرف نظر کردن افراد از مداخله مراجع رسمی در قطع و فصل دعوی مربوط به حقوق خصوصی خودشان و تسلیم شدن آنها به حکومت خصوصی اشخاص دانسته است که از نظر معلومات و اطلاعات فنی یا شهرت به رستگاری و امانت مورد اعتماد آنها هستند. (متین دفتری، ۱۳۸۱)

برخی حقوقدانان نیز داوری را فصل خصومت توسط یک یا چند نفر به شیوه ای جدا از فصل خصومت توسط قضات دادگاهها دانسته اند که این تعریف را می توان خلاصه ای از تعریف قبلی قلمداد کرد. (محمدی خورشیدی، ۱۳۹۰)



برخی داوری را رفع اختلاف از طریق حکمیت اشخاصی دانسته اند که اصحاب دعوی به تراضی انتخاب کرده یا مراجع قضایی به قید قرعه برگزیده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳)

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند که دادرسی از اعمال حاکمیت دولت است که به وسیله قضات دولتی انجام می گیرد ولی چون شمار دعاوی روز به روز در حال افزایش است و دادگاهها نیز نمی توانند با سرعت به آنها رسیدگی کنند و رضایت مردم را به نحو مطلوبی جلب کنند، یا ممکن است اصحاب دعوی به عللی از جمله سنگینی هزینه دادرسی و اطاله کار نخواهند دعوی خود را در دادگاه مطرح کنند در این صورت می توانند آن را نزد اشخاصی مطرح کنند که به درستی و امانت م شهورند و معلومات حقوقی و اطلاعات فنی نیز دارند. از این رو در کنار دادرسی دولتی، نوعی دادرسی غیردولتی به وجود آمده که آن را داوری می گویند. وی در ادامه تعریف خود داور را ثا صوصی نامیده است. (صدرزاده افشار، ۱۳۷۳) به بیان دیگر داوری عبارتست از رفع اختلاف فیما بین اصحاب دعوی از طریق واگذاری آن به حکم اشخاصی که طرفین دعوی آنها را به تراضی خود انتخاب می کنند و یا اینکه دادگاه صالحه آنها را به حکم قرعه انتخاب می کند. (مدنی، ۱۳۹۲)

با توجه به تعاریف متعدد در زمینه داوری می توان گفت که داوری عبارت از فصل خصومت بین طرفین دعواتوسط شخص یا اشخاص منتخب طرفین و یا دادگاه است و نه توسط دولت. (محمدی خورشیدی، ۱۳۹۰) به عبارت دیگر در تعریف داوری می توان گفت داوری در دو حال ممکن است رخ دهد، اول آنکه دعوایی رخ نداده است و اشخاص برای پیشگیری از مراجعه به مراجع صالح قضایی و صرف هزینه های دادرسی و اتلاف وقت در صورت بروز اختلاف، تراضی می نمایند که اگر دعوا و اختلافی رخ داد جهت حل و فصل آن، به شخص یا اشخاصی که مورد وثوق طرفین بوده و از جهت درستکاری و همچنین اطلاعات فنی و حقوقی مورد تایید طرفین باشند رجوع نموده تا آن شخص بعنوان داور و حکم رفع اختلاف نماید. دوم آنکه ممکن است اشخاص برای حل و فصل اختلاف و دعاوی احتمالی، از پیش حکم داور تعیین نموده باشند لیکن پس از بروز دعوی به این نتیجه برسند که بهتر است برای حل نمودن مشکل پیش آمده به شخص یا اشخاص مورد تایید طرفین رجوع نمایند که البته گاهی این رجوع به داوری از طرف دادگاه یا قانون اجباری تلقی شده که در مباحث بعدی به آن می پردازیم.



۲- انواع داوری:

داوری انواع و اقسام مختلفی داشته که به لحاظ موضوعات مختلف، انواع داوری نیز متفاوت می باشد که ذیلا در ابتدا به صورت موضوعی و سپس به تفصیل به بیان انواع داوری می پردازیم؛

از حیث موضوع به داوری تجاری و غیر تجاری

از حیث تشکیلات، به داوری نهادی و موردی

از حیث دخالت عنصر خارجی، به داوری داخلی و بین المللی (خارجی)

از حیث دخالت اراده، به داوری اختیاری و الزامی (اجباری)

از حیث عموم و خصوص، به داوری عام و خاص

از حیث اطلاق، به مطلق و مفید

از حیث نقش و تاثیر، به داوری اعلام نظر (داور دعاوی خانواده) و داور حکمی (داور آیین دادرسی مدنی)

از حیث اختیار انتخاب، به داوری ورزشی (قاضی) و داوری آیین دادرسی مدنی و خانواده

از حیث نوع، به داوری حکمی، موضوعی و مختلط

از حیث تعداد، به داوری مرضی الطرفین و سه نفر و اختصاصی و اشتراکی

از حیث رای، اتفاق آراء و اکثریت آراء

از حیث شروع، قبل از بروز اختلاف و پس از تقدیم دعوا و بروز اختلاف



۱-۲ داورى تجارى و غير تجارى:

منظور از داوری تجاری آن است که داور در مقام حل و فصل دعوی مربوط به تجار و با شرکت تجاری و اعمال تجاری برآید و با تشخیص مفهوم تاجر و عمل تجاری و بررسی نظام های حقوقی به نوعی شخصی و مختلط تقسیم می شود و نسبت به تمیز و تقسیم داوری داوری به تجاری و غیر تجاری و آثار مترتب بر آن شناخت و آگاهی پیدا کرد. با توجه به نظام های حقوقی هر عملی که تجاری محسوب نگردد، م شمول داوری غیر تجاری خواهد بود. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲-۲ داورى نهادى (سازمانى) و موردى:

مدت مدیدی است که داوری در حقوق ایران وجود دارد لکن همواره به صورت داوری موردی بوده که با تراضی طرفین یا از طریق دادگاه انجام شده است.

می توان گفت داوری سازمانی (یا در برخی موارد داوری تاسیسی) به مفهوم واقعی کلمه با تشکیل مرکز داوری اتاق بازرگانی وزارت صنایع و معادن، برای نخستین بار وارد نظام حقوقی ایران شده است. مقصود از داوری موردی یا داوری اتفاقی داوری هایی است که موضوع داوری ق.آ.د.م می باشد. یعنی طرفین به داوری شخص یا اشخاص معینی توافق می کنند و شخص مزبور نیز داوری را مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی پیش می برد.

اما در داوری سازمانی مانند آنچه که در داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی صنایع و معادن، داوری موضوع ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان، داوری موضوع اساسنامه مرکز داوری کانون وکلای دادگستری مرکز و مرکز منطقه ای داوری تهران، دیده می شود. مرجع داوری نهادی است که معمولاً به صورت حرفه ای به داوری می پردازد، داوران آن (اصولاً) توسط مرجع داوری و نه طرفین منازعه برگزیده می شوند و دارای قانون حاکم بر آیین داوری است ولی در داوری موردی، مرجع داوری با انتخاب طرفین اقدام به داوری می کند، داوران رسیدگی کننده و آیین داوری از سوی طرفین منازعه انتخاب می شوند. از همین رو مشاهده می شود که در داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی، تعرفه داوری معلوم بوده، داوران از سوی مرکز داوری و نه طرفین تعیین شده، آیین داوری از پیش مشخص شده است و ... (کریمی، پرتو ۱۳۹۷) در واقع داوری نهادی (سازمانی) عبارت از سازمان نهاد یا موسسات داوری است که براساس نوع آگاهی و



تخصیص و تجارب به موجب قانون خاص به همین منظور تشکیل یا در کنار اختیارات و مسئولیت های دیگر اجازه و صلاحیت داوری برای حل و فصل دعاوی و اختلاف های اشخاص معین را دارند.

وجه تمایز اصلی و اساسی برای داوری موردی و سازمانی عنصر انتخاب و انتصاب است. چنان که دیوان داوری رسیدگی کننده به دعاوی ایران و ایالات متحده امریکا هرچند در ظاهر یک تشکیلات سازمانی با قواعد و آیین ویژه ای است، ولی داوری سازمانی محسوب نمی شود. زیرا شخص حقوقی که از پیش وجود داشته و طرفین به آن رجوع کرده باشند و یا اشخاص دیگر هم بتوانند به آن رجوع کنند محسوب نمی شود. از سوی دیگر فراوانی و کثرت دعاوی نیز وجه تمایز داوری موردی و سازمانی نمی تواند باشد. همچنین موسسات داوری و یا نهادهایی چون داوری مستقر در کانون وکلای مرکز را نیز نمی توان به عنوان داوری سازمانی تلقی کرد. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲-۳ داوری داخلی و بین المللی (خارجی):

منظور از داوری داخلی آن است که موضوع مورد اختلاف در محدوده ی حاکمیت سرزمین یک کشور و براساس قوانین جاری آن حل و فصل شود و داوری خارجی در مقابل با داوری داخلی و ملاک آن فراتر از قلمرو یک کشور می باشد. داوری خارجی ممکن است بین دو یا چند دولت یا سازمان بین المللی و یا بین دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی اعم از حقوق عمومی یا حقوق خصوصی باشد.

بند ۱ ماده ۱ آیین نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران در مقام بیان تعریف داوری داخلی مقرر می دارد: «... داوری داخلی عبارت است از حل اختلاف و دعوا راجع به روابط و معاملات تجاری بین اشخاص حقوقی یا حقیقی که در زمان انعقاد موافقت نامه داوری به موجب قوانین تبعه ایران باشند».

به استناد ماده ۱ قانون ثبت شرکت ها: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد شرکت ایرانی محسوب است».

به استناد ماده ۵۹۱ ق.ت «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است».



بنابراین مرکز اصلی شرکت در هنگام انعقاد توافق نامه داوری یا در زمان ارجاع به داوری خارج از کشور باشد داوری از نوع بین المللی (خارجی) محسوب می گردد. در نتیجه ملاک تشخیص داوری داخلی یا خارجی یکی از موارد زیر است:

الف) تابعیت

ب) موضوع اختلاف

ج) میزان منفعت داخلی با خارجی

در ماده ۱۴۹۲ ق.آ.د.م فرانسه معیار و ملاک داوری بین المللی منفعت مورد دعواست. به عبارت دیگر داوری داخلی فقط حاوی یک نفع داخلی است. ولی در داوری خارجی (بین المللی) نفع و مصلحت بین المللی در میان است. (کریمی و پرتو، ۱۳۹۷) معیار و ملاک روشنی برای تشخیص منفعت وجود ندارد. به بیان دیگر هیچ موضوعی نمی توان یافت که فقط به یک سوی متمایل باشد و فقط منافع داخلی یا خارجی بتوان برای آن تعریف و تعیین گردد. گاه ممکن است به نسبتی متغیر مصلحت داخلی و بین المللی را در بر گیرد. در ماده ۲ قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان ملاک داخلی یا خارجی بودن داوری را محل داوری دانسته است. به استناد مواد ۸۵ و ۸۷ قانونی داوری انگلستان تابعیت انگلستان، محل سکونت، مرکز اصلی شرکت و محل داوری در این کشور به عنوان معیار و ملاک داوری داخلی ذکر شده است.

در حقوق ایران به استناد بند ت ماده آیین نامه نحوه ی ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران ملاک تابعیت ایرانی یکی از طرفین است. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲-۴ داوری اختیاری و اجباری:

داوری بر حسب نوع آن که ناشی از اراده و خواست طرفین باشد یا به تشخیص و تصمیم دادگاه، به داوری اختیاری و داوری اجباری تقسیم می شود. منظور از داوری اختیاری آن است که طرفین دعوا با تراضی هم تصمیم می گیرند که حل اختلاف بین آنها از طریق داوری انجام شود و شخص یا اشخاص را به عنوان داور یا داوران انتخاب کرده و خود را تابع حکومت آنان در موضوع مورد اختلاف، قرار می دهند. به همین دلیل است که داوری را حکمیت نیز می گویند و به داور، حکم نیز اطلاق می شود. از طرفی همین داوری اختیاری نیز از جهت اینکه ممکن است قبل از بروز اختلاف و یا



بعد از آن با شد به دو قسم ارجاع امر به داور قبل از بروز اختلاف و بعد از بروز اختلاف قابل تقسیم است. ممکن است افراد قبل از اینکه اختلافی حادث شود، مثلاً هنگام عقد قرارداد بیع یا اجاره، در ضمن قرارداد قید کنند که در صورت بروز اختلاف دعوا از طریق داوری حل و فصل شود. در این صورت داور یا داوران معینی که مشخصات وی را می نویسد بین آنها حکمیت می کنند و رای داور یا داوران مذکور به نحوی که در قرارداد جزئیات آن را می نویسد سند رافع اختلافات و قاطع دعوی است و نیازی به مراجعه به دادگاه نیست. مواد ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر داوری های اختیاری است. (واحدی، ۱۳۸۵) در مقابل داوری اجباری می توان چنین بیان نمود گاهی دادگاه را ساحل مساله و رسیدگی به موضوع را به داوری ارجاع می کند که این موارد را داوری اجباری می نامند، زیرا طرفین دعوا نقشی در این امر ندارند و ارجاع امر به داوری ناشی از خواست و اراده آنها نیست بلکه دادگاه بنا به دلایلی با توجه به اوضاع و احوال قضیه مطروحه و یا طبیعت کار مصلحت را در آن می بیند که مورد اختلاف را به داوری ارجاع دهد. این موارد در قوانین متعدد و مختلف پیش بینی شده است از جمله داوری اجباری در خصوص دعاوی خانوادگی، بدوا در قانون حمایت خانواده پیش بینی شده است و نهایتاً در قانون اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱ داوری اجباری پذیرفته شده است. دادگاه در مواردی که یکی از زوجین درخواست گواهی عدم امکان سازش نموده است، مکلف است موضوع را به داوری ارجاع دهد تا داوران با تشکیل جلسه و مذاکره با طرفین سعی خود را برای جلوگیری از طلاق به کار گیرند. داوران مکلفند نظر خود را مبنی بر سازش یا عدم سازش به دادگاه اعلام نمایند. (محمدی خورشیدی، ۱۳۹۰)

۲-۵ داوری عام و خاص:

عام یا عموم حالتی است که دلالت بر تمام افراد مفهوم خود داشته باشد و بر همه افراد جاری گردد. عموم همواره همراه با ادات عموم مانند همه، کلیه، هر، تمام و همگی است و گاه به نحوی است که مدلول لفظ در آن دلالت دارد. خاص در مقابل آن است و فرد یا افراد خاصی را در بر می گیرد به عبارت دیگر نوعی از عام و یا قسمتی از عام و مشمول برخی از افراد عام را گویند. مانند دانشمندان به نسبت مردم، حقوقدانان به نسبت سایر رشته ها، اگر در قرارداد داوری آمده باشد قلمرو اختیار داور یا داوران همه دعاوی و اختلافات ناشی و مربوط به این قرارداد خواهد بود. این داوری عام محسوب است. ولی چنانچه آمده باشد داور نسبت به اختلاف حاصل از اجرای قرارداد یا خسارت ناشی از تاخیر در اجرای قرارداد



و مانند آن باشد آن را داوری خاص می گویند. عام خود به عام نسبی، افرادی، مجموعی، ابدالی، غایت همچین خاص به مخصص متصل و مخصص منفعل تقسیم می شود. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

۲-۶ داوری ابتدایی و پس از بروز اختلاف و طرح دعوا:

ماده ۴۵۴ ق.آ.د.م مقرر می دارد: «کلیه ا شکایاتی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با ترا ضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشند، و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند». داوری ابتدایی یعنی اینکه قبل از طرح دعوا در دادگاههای دادگستری یا مراجع قضایی غیر دادگستری طرفین موضوع و دعوا خود را به داوری ارجاع دهند. همچین منظور از داوری ابتدایی این است که قبل از بروز اختلاف و طرح دعوا این است که پس از تقدیم دادخواست و طرح دعوا در دادگاه در هر یک از مراحل دادرسی طرفین موضوع مورد اختلاف را به داوری ارجاع نمایند. (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)

در این قسمت از بیان دیگر انواع داوری به جهت رعایت اختصار جلوگیری شده و به همان ذکر به صورت موردی اکتفا می شود.

۳- ویژگی های داوری:

در این قسمت به بیان ویژگی ها و به عبارتی امتیازات داوری می پردازیم؛ الف) بی طرفی داوران: یکی از مسائلی که در بررسی ادله از سوی قضات مطرح می شود، میزان مداخله و نقش علم آنان در کشف حقیقت می باشد که در ترجیح نقش علم در قضاوت به نقش «حاکمیت قاضی» و نقش قاضی در اجرای عدالت استناد می گردد. این امر موجب می شود تا قاضی دادگاه از حد یک ناظر صرف فراتر رود و در رسیدگی به پرونده ها علاوه بر مستندات طرفین بر اساس ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنیبه دلایلی مراجعه نماید که خود در کشف حقیقت موثر می داند این امر ممکن است به ظاهر و تا حدودی قاضی را از بی طرفی صرف در امور مدنی خارج سازد. در حالیکه داور در داوری چنین وظیفه ای بعهد ندارد و چنین انتظاری نیز از وی نمی رود تا در جهت اجرای عدالت تلاش نماید. داور مطابق مستندات طرفین رای صادر می نماید و حتی در داوری تعیین قانون حاکم بر قضیه نیز با طرفین می باشد. در دعاوی تجاری بین المللی که طرف درگیر نگران مداخله طرفدارانه محاکم داخلی در دعوی است، داوری به طرفین اجازه



می‌هد تا داورانی را که بدون توجه به تابعیت طرف و بی طرفانه به موضوع رسیدگی می‌کنند انتخاب کنند. در دعوی که در محاکم طرح می‌شود مطابق قواعد آیین دادرسی مدنی تبعه داخلی بر تبعه خارجی ترجیح دارد. نمونه آن منوط شدن طرح دعوی از سوی طرف خارجی با سپردن تامین می‌باشد. در حالیکه در داوری چنین ترجیحی وجود ندارد و به عکس موضوع داوری تجاری بین المللی که تماما با مداخله یک نفر خارجی به آن طرف دعوی رسیدگی می‌گردد نمی‌توان برتری تبعه دولت متبوع بر تبعه خارجی را اعمال کرد. این امر خود ناشی از امر دیگری است که در حقوق بین الملل خصوصی، اعمال صلاحیت دادگاهها در دعاوی بین المللی یک امر قضایی صرف نیست، بلکه یک امر سیاسی است. در حالی که در داوری هرگز چنین دیدگاهی مطرح نیست و تلاش حقوقدانان در امور حقوقی و قضایی نیز بر غیر محلی کردن قوانین و قواعد حاکم بر دعوی و داوری است. (مرتضوی، ۱۳۹۲)

ب) سرعت در رسیدگی: یکی از علل ارجاع دعوی به داوری، سرعت در رسیدگی است. طرف های درگیر در تجارت بین الملل، به راه حلی سریع احتیاج دارند به همین دلیل در انواع مقررات داوری سعی شده است که به اصل سرعت در داوری توجه شود. فرق اصلی داوری با رسیدگی در دادگاه، سرعت در رسیدگی است. در تمامی مقررات داوری برای ایجاد سرعت در رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی به طرفین و داروان اجازه داده شده است بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی به طرح دعوی در داوری و رسیدگی اقدام کنند. تشریفات در رسیدگی و آیین دادرسی مدنی در محاکم دادگستری همیشه سبب اطاله دادرسی است. در حالی که داوران نه تنها از رعایت آیین دادرسی معاف هستند بلکه در صورت لزوم می‌توانند تشریفات خاص را برای رسیدگی در داوری خود وضع کنند. رسیدگی سریع در داوری موجب تشویق و ترغیب تجار بین المللی برای تمسک به داوری یا به شیوه های دیگر حل و فصل اختلافات می‌شود زیرا اطاله در رسیدگی و صدور رای نهایی و قطعی ممکن است خسارات جبران ناپذیری بر طرفین قرارداد وارد نماید. (تفرشی و اسدی نژاد، ۱۳۸۷)

ج) محرمانه بودن داوری: داوری قراردادی خصوصی است و طرفین می‌توانند شرایط ویژه ای را برای حل و فصل اختلافات خود در نظر بگیرند. در داوری همواره این بحث مطرح است که آیا رسیدگی در داوری باید محرمانه باشد یا علنی؟ دلایل محرمانه بودن داوری به اندازه دلایل علنی بودن آن قوی است. البته اگر داوری علنی باشد، موجب ایجاد رویه قضایی و به تبع آن موجب ارتقای مرتبه علمی داوری می‌گردد. علاوه بر این علنی بودن داوری اصل استقلال و بی طرفی داوران را تقویت می‌کند. رعایت مساوات از سوی داوران نیز در سایه نظارت محقق می‌شود. برعکس محرمانه بودن داوری امکان نظارت عمومی بر داوری را از بین برده و در نتیجه از دقت آن می‌کاهد. (تفرشی و اسدی نژاد، ۱۳۸۷). به طور کلی طرفداران علنی بودن داوری معتقدند محرمانه بودن وجه ممیزه اصلی داوری نیست. به همین دلیل در داوری تاکید شده است که محرمانه بودن مبنای حقوقی ندارد و ظاهرا در اثر استفاده زیاد از داوری و بر اساس عرف رایج شده است و طرفین تعهدی بر محرمانه بودن داوری ندارند. از طرفی باید گفت یکی از دلایل گرایش روزافزون تجار به داوری در واقع همین



محرمانه بودن داوری است. تجار برای حفظ اسرار تجاری و حل و فصل اختلافات خود، تمایلی به رجوع به مراجع دادگستری و عمومی نداشته و به داوری تمسک می جویند. در هر صورت تجاری که تمایل به حل و فصل اختلافات به طور محرمانه دارند، داوری را انتخاب می کنند چون داوری عمومی نیست و فقط طرفین و مشاوران آنها حق ورود به جلسه را دارند و داوران باید به خواست و اراده طرفین دعوا مبنی بر محرمانه نگه داشتن اسرار داوری و رازداری عمل کنند. از سوی دیگر رسیدگی به دعاوی در محاکم هم علنی است و هم مسائل مربوط به دادگاهها به طرق مختلف به اطلاع دیگران می رسد. حضور دیگران در دادرسی نیز موجب آشکار شدن مسائل قضایی برای سایرین را فراهم می سازد. به منظور اجرای عدالت در محاکم و عملی شدن نظارت مردم بر عملکرد محاکم، اصل علنی بودن دادرسی از اصول مسلم در جهان و کشورمان شناخته شده است. اما این اصل ضروری گاه مخالف خواسته برخی از مردم است و اصحاب دعوی تمایل ندارند دیگران از اختلاف آنها اطلاعی داشته باشند. در داوری به دلیل ویژگی محرمانه بودن آن، این امر محقق می شود زیرا با ارجاع به داوری فقط اصحاب دعوی و وکلا و داوران از موضوع اختلاف و محتوای آن مطلع می شوند. (مرتضوی، ۱۳۹۲)

د: انتخاب داور: یکی از ویژگی های بسیار مهم در داوری، اتکای آن به قراردادی است که طرفین به موجب آن به داورها اختیار می دهند که به اختلاف آنها رسیدگی کنند. در صورت فقدان چنین قراردادی، داورها حق دخالت و صدور رای ندارند. این ویژگی داوری را از رسیدگی قضایی در دادگاهها جدا می کند. (شیرودی، ۱۳۹۲) در امور قضایی نه در انتصاب و نه در ارجاع دعوی به قاضی طرفین هیچگاه حق انتخاب و مداخله ندارند. در داوری طرفین از آزادی کامل در انتخاب داور مورد اعتماد خود و آشنا به موضوع مورد اختلاف برخوردار هستند. داور منتخب طرفین و قاضی، منصوب و منتخب دولت است. این ویژگی امتیاز ویژه ای برای داور از جانب طرفین محسوب می گردد و در تمکین از تصمیم اتخاذی بسیار موثر است. (منصوری، ۱۳۹۸)

۴- داوری در دعاوی تجاری بین المللی و علل رجحان آن بر سایر روشها

قانون داوری تجاری بین المللی با تکیه بر یکی از اسناد مهم بین المللی (قانون نمونه آنسیترال راجع به داوری دعاوی تجاری بین المللی مورخ ۱۹۸۵) تهیه گردیده است. (جنیدی، ۱۳۷۸) ماده ۲۸ این قانون بیان می دارد: «چنانچه طرفین در جریان رسیدگی اختلافات خود را از طریق سازش حل کنند، داور قرار سقوط دعوی را صادر می کند و چنانچه یکی از طرفین تقاضا کند و طرف مقابل اعتراض نکند، موافقت نامه سازش را به صورت رای داوری مرضی الطرفین با رعایت ماده ۳۰ صادر می کند».



با تدقیق در این ماده به نظر می رسد اگر بخواهیم ساختار این ماده را با انواع روش های ترکیبی حل و فصل اختلافات مقایسه نماییم، باز هم مشابه ماده ۴۸۳ ق.آ.د.م، به نهاد داوری- میانجیگری شبیه تر است و با میانجی گری- داوری طبق تعریفی که بیان شد سازگاری ندارد. چنین سازشی می تواند در قالب رای داوری مبتنی بر رضایت تلقی شود و از حمایت های قانون داوری تجاری بین المللی بهره مند گردد. همانطور که مشخص است این ماده صرفاً راجع به حالتی است که فرایند داوری شروع شده و به عبارت دیگر در زمان شروع داوری اختلاف وجود داشته باشد. اما در فرضی که طرفین قبل از شروع داوری و از طریق سازش به توافق برسند و بخواهند داوران توافق آنان را صرفاً در قالب رای داوری انشا کنند، چنین فرضی قابل حمایت در قانون داوری تجاری بین المللی نیست. قابل توجه است قانون نمونه آنسترال در خصوص داوری تجاری بین المللی نیز مواردی را که توافق میانجیگری قبل از شروع داوری باشد مشمول حمایت قرار نمی دهد و منظور آن صرفاً حل و فصل و سازشی است که در جریان داوری صورت گرفته باشد. (جوادپور و همکاران، ۱۳۹۸)

اصولاً برای حل و فصل اختلافات تجاری راههای فراوانی وجود دارد. آسانترین و سریع ترین راه را می توان گفتگوی مستقیم بین طرفین و یا وکلای آنان دانست. علت آن است که طرفین اختلاف بهتر از هر کس دیگری به نقاط قوت و ضعف دعوای مطروحه خود واقف هستند. اگر طرفین اختلاف درخصوص مشکلات خود نیاز به مشاوره داشته باشند می توانند از مساعدت و کلا، حسابداران، مهندسان و یا دیگر متخصصان بهره مند گردند.

باید توجه داشت که اقدام به مذاکره برای حل اختلاف نیازمند آن است طرفین اختلاف واقعاً قصد رفع اختلاف را داشته باشند. در بسیاری از موارد این تعهد و هدفمندی به ندرت یافت می شود. در گاهی اوقات نیز چنین تعهدی به حل واقعی اختلاف بعد از آنکه مقادیر زیادی پول و زمان صرف شد حاصل می گردد و در ابتدا طرفین چنین احساسی را برای حل اختلاف ندارند.

در اینجا متذکر می شویم که حل اختلاف از طریق مذاکره در هر زمان مقدور و میسر است این امکان حتی در زمانی که دیگر شیوه های حل اختلاف در جریان است نیز همچنان در دسترس خواهد بود. اگر بعد از انجام مذاکرات بین طرفین توافقی حاصل نشد، ورود یک طرف ثالث بی طرف در مذاکرات برای میانجی گری مثمرتر خواهد بود.

اغلب این شیوه میانجی گری بطور رسمی و با مشارکت یک میانجی و یا بطور غیر رسمی توسط یک دلال انجام می گیرد. علی ایحال شاکی دعوایی که از ادله مناسب و محکمی در اثبات ادعای خود برخوردار است باید مواظب باشد که روشهای حل اختلاف اعم از مذاکره و یا غیره باعث تضعیف اعتبار ادله و مدارک نشود.

هرچه که زمان می گذرد طرح دعوا مشکل تر می شود زیرا احتمالاً شهود نقل مکان کرده اند یا مدارک و ادله از بین رفته اند.

اگر در طرح دعوی درمورد اختلاف پیش آمده تعلل شود این امکان وجود دارد که به علت منقضی شدن مدت زمان قانونی برای طرح دعوا و حادث شدن مرور زمان دیگر نتوان در محاکم قانونی طرح دعوا و دادخواهی نمود.



با توجه به این موارد است که بسیاری از اختلافات تجاری بین المللی در صورتی که طرفین قادر به حل آن از طریق مسالمت آمیز و مذاکره نباشند به داوری ارجاع می شود.

در پاسخ به این پرسش که داوری بهتر است یا دادرسی قضایی، بایستی گفت؛ در مورد دعاوی که بین اتباع یک کشور در جریان است بطور متساوی برای داوری یا دادرسی قضایی یکسان است و مزیت هریک بر دیگری به اقتضائات هر پرونده وابسته است. هنگامی که اختلاف جنبه بین المللی به خود می گیرد کفه ترازو به نفع داوری سنگین تر می شود. در دعاوی داخلی به علت آنکه طرفین به دنبال بدست آوردن حکم لازم الاجرا و نهایی هستند مسلماً مراجعه به محاکم قضایی ارجح به داوری است این در حالی است که در اختلافات بین المللی امکان دستیابی به چنین احکام لازم الاجرای قطعی میسر نیست زیرا هیچ دادگاه بین المللی صالحی برای رسیدگی به اختلافات تجاری بین المللی موجود نیست. براین اساس تنها دو گزینه برای حل اختلاف باقی می ماند که عبارتند از: رجوع به دادگاه ملی و یا رجوع به داوری بین المللی.

اگر شاکی یک اختلاف بین المللی دادرسی در محاکم قضایی را مدنظر بگیرد در صورتی که توافقی با طرف اختلاف برای انتخاب دادگاه حاصل نشده باشد ناگزیر از آن است که دعوا را در دادگاه محل اقامت خوانده مطرح نماید که مسلماً با آیین دادرسی و قواعد آن آشنا نخواهد بود.

به تبع این واقعیت، شاکی نمی تواند از وکلای خود برای پیگیری پرونده استفاده کند چون بطور حتم این وکلا با قانون و آیین دادرسی یک کشور خارجی آشنا نخواهند بود و مجبورند تا از مساعدت وکلای هموطن خوانده برای پیگیری پرونده بهره گیرند که مسلماً هزینه اضافه ای را تحمیل خواهد نمود.

علاوه بر این ممکن است که زبان رسمی کشور محل اقامت خوانده با زبان تقریر قرارداد متفاوت باشد که در این صورت شاکی باید هزینه ترجمه تمامی اسناد و مدارک را تقبل کند.

بعد از همه این مراحل احتمال دارد که قانون ملی کشور محل اقامت خوانده در مورد قراردادهای تجارت بین الملل چندان کارآمد نباشد و از این مجال مشکل بزرگی برای پیگیری قضایی اختلاف بوجود آمده ایجاد شود. با توجه به همه این موارد است که می تواند چنین استدلال شود که طرح یک دعوی بین المللی تجاری نزد محاکم قضایی ملی چندان معقول و بصره نیست. اگر طرفین یک اختلاف اعم از یک شرکت خصوصی و یک دولت بیگانه باشد آن گاه در صورتی که شرکت خصوصی شاکی پرونده بشد، ملزم از آن است تا حتماً دعوی خود را نزد دادگاههای دولت مزبور دعوا کند. در این صورت شرکت خصوصی همواره این احساس را خواهد داشت که دادگاه متبوع دولت طرف اختلاف در صدور رای خود بیطرفانه حکم صادر نکند. برای دوری از چنین مواردی است که داوری بین المللی به دادرسی قضایی اختلافات تجاری بین المللی رجحان دارد. (شکوری، ۱۳۸۷) رأیی که از سوی داور صادر می شود قطعی و یک مرحله ای است و از طریق محاکم دادگستری به مرحله اجرا درمی آید. رأی داور، قابل اعتراض و قابل ابطال است ولی معمولاً قابلیت تجدیدنظرخواهی را ندارد مگر در موارد استثنایی در بین برخی سازمانهای بین المللی از قبیل داوری ایکسید. ماده ۵۳



کنوانسیون ۱۹۶۵ و اشنگتن به امکان تجدیدنظرخواهی رأی داور اشاره شده است. در قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، تنظیم داوری نامه مقرر شده است.

داوری نامه، موافقت نامه داوری نیست بلکه سندی است که در مراحل آغازین داوری تنظیم شده است و به امضای طرفین و هیئت داوری می‌رسد و در آن اختلاف مورد نظر روشن شده و محدوده صلاحیت هیئت داوری مشخص گردیده و طرفین می‌توانند هر موردی که در ارتباط با موضوعات مورد اختلاف آن هاست، در این داوری نامه درج نمایند.

نتیجه گیری:

می‌توان عنوان داشت که نهاد داوری نهادی قدیمی در حل و فصل اختلافات حادث شده بین افراد یا صنوف مختلف می‌باشد در واقع می‌توان ادعا نمود که نهاد داوری بعنوان نهادی قدیمی در حل و فصل اختلافات حادث شده بین افراد در طی قرون مختلف هنوز کارکرد خود را حفظ نموده و چه بسا با پیچیدگی‌های اجتماعی حاکم بر جوامع بشری در حال حاضر نیاز به وجود این نهاد ملموس تر به نظر می‌رسد چه بسا با حجم عظیم پرونده‌های مطروحه در دادگستری‌ها وجود نهاد داوری بعنوان بازویی قوی در کنار سیستم قضایی عمل نموده و در حل و فصل دعاوی کارگشایی بی‌بدیل باشد. چه آنکه در سالها اخیر با گسترش روابط تجاری بین‌المللی رغبت تجار برای ارجاع امر به نهاد داوری را بیش از گذشته شاهد هستیم. موضوع داوری تجاری، رسیدگی به اختلافات اشخاص در موضوعات تجاری است. ارجاع امر به داوری و نیز رسیدگی داوران نسبت به اختلافات مرتبط با روابط تجاری بین‌المللی طرفین، اعم از خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل و غیره، مطابق مقررات قانون داوری تجاری بین‌المللی صورت می‌گیرد. قانون داوری تجاری بین‌المللی در صورتی داوری را بین‌المللی می‌داند، که به موجب قوانین ایران، یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقت نامه داوری، تبعه ایران نباشد. کلیه اشخاص دارای اهلیت و صلاحیت اقامه دعوا، اختیار مراجعه به داوری برای حل و فصل اختلافات فعلی یا احتمالی آینده خویش را دارد.

در قانون داوری تجاری بین‌المللی، رفع اختلافات بین طرفین، در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی مرضی‌الطرفین یا انتصابی را داوری تعریف نموده است. یکی از آثار داوری بین‌المللی این است، که دادگاه‌های داخلی دولت‌ها باید از رسیدگی به اختلاف موضوع موافقت نامه داوری خودداری نمایند. دخالت دادگاه، صرفاً می‌تواند مربوط به محل داوری، تابعیت طرفین، اقامتگاه آن‌ها و قانون حاکم بر داوری باشد.

در جریان رسیدگی، هر دو طرف دعوا از حق دفاع برخوردارند و به‌طور مساوی با آن‌ها رفتار می‌شود. ابلاغ و اطلاع‌یابی نسبت به طرفین به موقع صورت گیرد و داور یا داوران می‌بایست کاملاً بی‌طرف باشند که از جمله تضمینات هر دادرسی منصفانه‌ای می‌باشد. قانون حاکم بر قرارداد داوری علی‌الاصول تابع قانون منتخب طرفین می‌باشد و قانون حاکم بر آیین



داوری در دیدگاه سنتی قانون مقرر داوری بود، ولی طبق دیدگاه جدید، قانون منتخب طرفین بر آیین داوری نیز حاکم می‌باشد.

در حقوق داخلی ایران، اصل بر عدم تشریفات و رضایی بودن عقود از جمله قرارداد داوری است، در حالی که قانون داوری تجاری بین‌المللی به لزوم کتبی بودن قرارداد داوری اشاره دارد. داوری، شیوه‌ای پرطرفدار برای حل و فصل اختلافات به شمار می‌رود و چون اساس قرارداد داوری با ماهیت دعاوی تجاری بین‌المللی بیشتر هماهنگ است، در اختلافات بین‌المللی در مقایسه با دعاوی داخلی، بیشتر مورد توجه می‌باشد. یکی از مزایای داوری تجاری، محرمانه ماندن مسائل طرفین است، چرا که رسیدگی در داوری برخلاف دادگاه غیرعلنی است و امکان ورود شخص خارجی به جریان رسیدگی داوری وجود ندارد، مگر اینکه طرفین به صراحت بر حضور او توافق کرده باشند.

از دیگر مزایای آن می‌توان به حل و فصل سریع اختلافات و کم‌هزینه بودن قطعیت و الزام آور بودن رأی داوری صادره و امکان شناسایی و اجرای نسبتاً ساده آرا داوری و سرعت و کارایی داوری، تخصصی بودن و تشریفات نبودن آن و بی‌اعتمادی طرفین نسبت به دادگاه‌های ملی، اشاره کرد. این دلایل موجب می‌شود که حل و فصل اختلافات بین تاجران در عرصه بین‌المللی از طریق مقررات داوری تجاری بین‌المللی صورت می‌گیرد.



منابع

- ۱- بهرامی، بهرام، پرتوی زاده، رضا، بهرامی، محمدرضا، بایسته های داوری در حقوق ایران، انتشارات نگاه بین، ۱۳۹۸
- ۲- تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، ۱۳۹۱
- ۳- پادشاه، محمد، متخلص به شاد، فرهنگ آنتدرراج، تهران، انتشارات خیام ۱۳۳۶
- ۴- تفرشی، محمدعیسی؛ اسدی نژاد، سیدمحمد، ویژگی های مقررات داوری سازمان جهانی مالکیت فکری و مقایسه آن با قانون داوری تجاری بین المللی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸ بهار ۱۳۸۷، شماره ۱
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۷
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دایره المعارف علوم اسلامی، (قضایی)، جلد اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳
- ۷- جوادیپور، نغمه؛ علوم یزدی، حمیدرضا؛ ابراهیمی، سیدنصرالله، حل و فصل اختلافات قراردادهای تجاری بین المللی از طریق میانجیگری- داوری با تاکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال هشتم شماره ۲۹ زمستان ۱۳۹۸
- ۸- شیروودی، عبدالحسین، داوری تجاری بین المللی، انتشارات سمت چاپ دوم زمستان ۱۳۹۲
- ۹- صدرزاده افشار، سیدمحسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد سوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۳
- ۱۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳
- ۱۱- فاطمی شریعت پناهی، کاظم، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، انتشارات مهر قم، ۱۳۵۶
- ۱۲- کریمی، عباس؛ پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، انتشارات دادگستر ۱۳۹۷
- ۱۳- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول ۱۳۸۱
- ۱۴- محمدی خورشیدی، محمد، داوری در حقوق ایران، انتشارات بهنامی، ۱۳۹۰
- ۱۵- مدنی، سید جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، انتشارات گنج دانش، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۹۲
- ۱۶- مرتضوی، عبدالحمید، آیین رسیدگی داوری تجاری بین المللی ایران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۲
- ۱۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۳
- ۱۸- منصور، پریسا، نقش دادگاههای داخلی در داوری تجاری بین المللی، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۸
- ۱۹- واحدی، قدرت الله، بایسته های آیین دادرسی مدنی، انتشارات میزان ۱۳۸۵



شکوری، بابک، بررسی علل رجحان داوری برای حل اختلافات تجاری بین المللی، منتظر شده در -۲۰

آدرس اینترنتی <http://www.shakuri.blogfa.com/post/>